[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صفحه۲۵-۵۲

ریشه‌ی تاریخی جریان پژوهش‌ها در حسابداری مدیریت رفتاری (تئوری‌ها و روش‌های پژوهش)

فریدون رهنمای رودپشتی[۱] سینا خردیار[۲] محسن ایمنی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۷

چکیده

تقریباً بیش از ۶۰ سال از آن زمان که آرگریس (۱۹۵۲) تأثیر بودجه را بر رفتار مردم مطرح نموده است می‌گذرد. چند سال بعد، استدری (۱۹۶۰) و دوین (۱۹۶۰) پژوهش‌های حسابداری خود را تحت تأثیر روان‌شناسی ادامه دادند. همچنین دیک‌من و زف (۱۹۸۴) از این دهه به‌عنوان دهه بیداری در ادبیات حسابداری یاد می‌نمایند. تا قبل از ۱۹۶۷ واژه «حسابداری رفتاری» هنوز وارد ادبیات رشته نگردیده بود و البته در این بین رشته‌های مختلفی از جمله اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در انجام پژوهش‌ها در ادبیات حسابداری رفتاری کمک شایانی را داشتند. در این میان رشته روان‌شناسی نقش مهمی را بازی کرد و با سه زیر شاخه روان‌شناسی شناختی، انگیزه‌ای و اجتماعی مهمترین اثر را داشته

[۱] استاد گروه مدیریت و حسابداری، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) rahnama.roodposhti@gmail.com

[۲] استادیار گروه مدیریت وحسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
Sinakharadyar@gmail.com

[۳] دانشجوی دکترای حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
Mohsen.imeni86@yahoo.com

است. در این بین نقش بازی شده توسط پردازش فردی از اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری برپایه تئوری روان‌شناسی شناختی متمرکز بوده که در سال‌های بعد از آن با واژه «انقلاب‌شناختی» یاد کرده‌اند. امروزه، وجود اصطلاح «رفتاری» معمولاً برای بررسی‌های آزمایشگاهی استفاده می‌شود اگرچه این روش پژوهش غالب را است، اما تنها امکان برای پژوهش‌های حسابداری رفتاری نیست. همچنین شواهدی از سایر روش‌های تجربی مانند پرسشنامه، تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای وجود دارد. نتیجتاً برای پیشرفت در عمق پردازش‌ها برای تصمیم‌گیری و درک اینکه چرا و چگونه مغز فعال است و در فرآیندهای اقتصادی از اطلاعات برای تصمیمات استفاده می‌نمایند دانشمندان علوم اعصاب یا عصب‌شناسان در حال ساخت یک پل ارتباطی با اقتصاد می‌باشند که به اصطلاح «اقتصاد عصبی» نامیده می‌شود تا رفتار استفاده‌کنندگان اطلاعات در تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: حسابداری مدیریت‌رفتاری، اقتصاد عصبی، انقلاب‌شناختی، تئوری‌های حسابداری رفتاری

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

۱- مقدمه

این مقاله درآمدی بر نظریه‌های روانشناسی است که در تحقیقات حسابداری مدیریت مفید واقع شدند. در سال ۱۹۷۰ حسابداری مدیریت محوربسیاری‌از رویکردهای تصمیم‌گیری و کنترل در سازمان‌ها را تشکیل می‌داد. کنترل بودجه، روش غالبی بود که در آن زمان در بیشتر مطالعات تحقیقاتی مبتنی بر اقتضای، مورد بهره قرار می‌گرفت. در واقع بسیاری از مطالعات اولیه، به دنبال بیان نقص اطلاعات موجود در بودجه می‌بودند. تحولات در حسابداری مدیریت با معرفی بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC) در اوایل سال ۱۹۸۰ آغاز شد، اگرچه این رویکرد بر خلق اطلاعات در جهت بهبود تصمیم‌گیری به جای کنترل تمرکز داشت؛ اما به سرعت این روش‌ها تحت عنوان حسابداری مدیریت استراتژیک مطرح شدند. در اوایل سال ۱۹۹۰ روشی که به طور گسترده مورد پذیرش سازمان‌های مدرن قرار گرفته بود، به چالش کشیده شد؛ و کارت ارزیابی متوازن (BSC) که هر دو معیار عملکرد مالی و غیر مالی را اندازه‌گیری می‌کرد به‌عنوان به یک چارچوب یکپارچه مطرح گردید (اوتلی، ۲۰۱۶)؛ لذا می‌توان بیان کرد که رویکردهای حاضر تماماً در جهت «تصمیم‌گیری» بهتر مطرح شده‌اند. تصمیم‌گیری به فرایندهای ذهنی (شناختی) گفته می‌شود که به انتخاب یک اقدام در میان اقدامات جایگزین می‌انجامند. تصمیم‌گیری، به تمایلات و گرایش‌های ذهنی افراد براساس رویکرد فردی و عمدتاً روانشناسی می‌پردازد (اوتلی، ۲۰۱۶). همچنین، روانشناسی علم ذهن انسان (به‌عنوان مثال، نگرش، شناخت، انگیزه) و رفتار (اقدامات، ارتباطات) بیان شده است؛ و نیز از سایر نظریه‌های علوم اجتماعی در تحقیقات حسابداری مدیریت، با هدف تبیین و پیش‌بینی رفتار افراد، استفاده می‌شود. روانشناسی، بر رفتارهای فردی، به جای رفتارهای سازمانی و اجتماعی و نیز بر پدیده‌های ذهنی (مانند بازنمودهای ذهنی) به جای پدیده‌های عینی (مانند قیمت بازار و فن‌آورهای سازمانی) متمرکز است (بیرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶). به بیانی می‌توان بیان داشت که تئوری‌های روانشناسی به مطالعه رویه‌های حسابداری مدیریت برای بیش از ۵۰ سال مورد استفاده قرار گرفته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، تحقیقات حوزه حسابداری مدیریت، شروع به استفاده از تئوری

روانشناسی شناختی جهت مطالعه و بررسی چگونگی استفاده ذهن افراد برای پردازش اطلاعات حسابداری جهت برنامه‌ریزی، کنترل، قضاوت و تصمیم‌گیری پرداخت. به‌طور اخص، استدری (۱۹۶۰) با استفاده از نظریه انگیزشی به بررسی اثر هدف بودجه بر عملکرد فردی؛ و نیز هاپ‌وود (۱۹۷۲) با استفاده از مفاهیم نظریه روانشناسی اجتماعی به مطالعه و بررسی چگونگی استفاده از اطلاعات حسابداری توسط مدیران ارشد برای ارزیابی افراد زیردستانشان، پرداختند. بر این اساس می‌توان بیان داشت که مرز بین رشته‌ها همیشه روشن نیست و برخی از مطالعات می‌توانند از هر دو متغیر سطح فردی و سازمانی استفاده نمایند؛ و همچنین بر موضوعات که شامل تصمیم‌گیری و کنترل هستند و به نوعی باهم همپوشانی دارند، تمرکز کنند. بدین منظور در مطالعه حاضر سعی بر این است که به سیر تاریخی ورود روانشناسی در تحقیقات حسابداری مدیریت پرداخته شود. ازاین‌رو در ادامه به بیان تئوری‌های روانشناسی مرتبط با حوزه حسابداری مدیریت و روش‌های تحقیق در این حوزه پرداخته می‌شود.

همچنین انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش‌افزوده علمی بدین شرح داشته باشد: اول، اینکه نتایج پژوهش حاضر موجب گسترش مبانی نظری در حوزه رشته حسابداری، بلاخص حیطه حسابداری مدیریت گردد. دوم، نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های نو برای انجام پژوهش‌های جدید در این حوزه به پژوهشگران بدهد؛ چراکه بیان این مفاهیم، با استفاده از دیگر روش‌های پژوهش، بتواند به پژوهشگران در ارائه نظریه‌های نو یاری رساند.

۲- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش توصیفی و مبتنی بر شناخت تاریخی، در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و از نوع پژوهش‌های نظری (تئوریک) و مبتنی بر پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه حسابداری مدیریت است. مطالعات تاریخی یکی از انواع پژوهش‌های کیفی است که از طریق تجزیه‌وتحلیل مدارک مربوط به وقایع گذشته و در صورت امکان مصاحبه با شاهدان واقعه صورت می‌گیرد. مطالعات تاریخی ازنظر مدارک موردمطالعه به چهار گروه

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

اصلی تقسیم‌شده‌اند: مطالعه‌ی مدارک اولیه شامل مطالعه‌ی داده‌های اصیل در موزه‌ها، کتابخانه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی؛ مطالعه‌ی مدارک ثانویه شامل بررسی آثار دیگر تاریخ‌شناسان؛ مطالعه‌ی جاری شامل تجزیه‌وتحلیل داده‌های جاری مربوط به یک پدیده؛ و گردآوری مجدد مدارک شامل مطالعه و گردآوری مجدد داده‌ها و مدارک مربوط به یک واقعه‌ی تاریخی. در همه‌ی این مطالعات، استخراج مفاهیم موردنظر، فرموله کردن و تعمیم‌یافته‌های حاصل منظور اصلی پژوهش می‌باشد. درروش پژوهش کیفی که پژوهش تاریخی نیز یکی از انواع آن است، با تکیه‌بر منطق استقراء یعنی مشاهده، از مفاهیم نهفته در داده‌ها و اطلاعات، فرضیه و تئوری‌ها خلق و ایجاد می‌شوند. در پژوهش‌های کیفی، انتخاب روش پژوهش اختیاری نیست و ماهیت موضوع پژوهش آن را تعیین می‌کند (فرقاندوست حقیقی و چشم فسا، ۱۳۹۲).

۳- مبانی نظری و پیشینه

۳-۱- مقدمه‌ای بر مسیر تاریخی حسابداری مدیریت رفتاری

تقریباً بیش از ۶۰ سال، از زمانی که آرگریس (۱۹۵۲) تأثیر بودجه را بر رفتار مردم بیان داشته است می‌گذرد. مطالعه او به نگرش افراد نسبت به بودجه و به‌ویژه ارتباط بین فرآیند تنظیم بودجه و رفتار انسان‌ها تمرکز داشت. تمرکز بر جنبه‌های مانند انگیزه، مشارکت و رهبری در مطالعه او دیده می‌شد و برای فراهم کردن یک مسیر جدید پژوهشی که ترکیبی از اطلاعات حسابداری و رفتار مردم باشد، تلاش داشت (دالاویا، ۲۰۱۲). چند سال بعد، استدری (۱۹۶۰) و دوین (۱۹۶۰) مطالعات حسابداری را تحت تأثیر روان‌شناسی یا روان‌شناختی[1] ادامه دادند. مفهوم روان‌شناختی از سطح انتظاراتی که از بودجه‌های اعمال‌شده داشتند، به درک رابطه بین انگیزه، هدف و عملکرد منتج می‌شد (دالاویا، ۲۰۱۲).

همچنین، در سطح تئوری، یک روش پژوهش توسط دوین (۱۹۶۰) پیشنهاد شد که به مطالعه روابط رفتاری به‌عنوان یک حیطه عملی برای پژوهش‌های حسابداری در نظر گرفته

[1] Psychology

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

می‌شد. دوین بر واکنش‌های روانی اطلاعات بر استفاده‌کنندگان حسابداری و اهمیت شناخت مفروضات رفتاری در تئوری حسابداری تأکید ویژه داشت. دیک‌من و زف (۱۹۸۴) از دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان دهه بیداری در ادبیات حسابداری و وجه‌تسمیه توسعه آن و نیز مسائل رفتاری مربوط به آن یاد می‌کنند. در طول این سال‌ها پژوهش‌های اولیه توسط کاپلان ۱۹۶۶ صورت گرفت و نتایج آن نیز منتشر شد (دالاویا، ۲۰۱۲).

کاپلان در مقاله خود مفروضات رفتاری حسابداری مدیریت را بیان می‌دارد. او مفروضات رفتاری تئوری حسابداری مدیریت سنتی را با تئوری سازمانی مدرن مقایسه می‌کند، با این هدف که درک درستی از تئوری‌های رفتاری که مربوط به توسعه و عمل تئوری حسابداری مدیریت باشد، نشان دهد. بااین‌حال، قبل از سال ۱۹۶۷ واژه "حسابداری رفتاری[1] " هنوز در ادبیات حسابداری ظاهرنشده بود. کوک (۱۹۶۷) در مورد روانشناس بکر (۱۹۶۷) بحث می‌کند و انتقاداتی را بابت جریان در حال ظهور از پژوهش‌ها درباره این موضوع مطرح می‌نماید. بکر معتقد است "بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده توسط حسابداران و شبه حسابداران برای خودشان (حسابداران) بوده و به دنبال افزودن چیزی به دانش در علوم رفتاری نیستند" و ازقضا خواستار کوک به‌عنوان "دانشمندان جدید رفتاری حسابداری " نیز چنین بود. به‌منظور دستیابی به پیشرفت مطلوب و بهینه و نیز هم‌افزایی‌های سودآور در حل مسائل رفتاری مرتبط با رشته حسابداری، هافستد و کینارد (۱۹۷۰) خواستار استراتژی کلی و راهنمای برای پژوهش شدند که آن زمان هنوز وجود نداشت (دالاویا، ۲۰۱۲).

براساس پژوهش هاپ‌وود و بیرنبرگ، می‌توان بیان داشت که در آن زمان علاقه رو به‌رشد برای پژوهش در بُعد رفتاری، سازمانی و اجتماعی در حوزه حسابداری در سایر نقاط دنیا نیز افزایش پیداکرده بود (هاپ‌وود، ۲۰۰۹). برخلاف انتظار اولیه، یک مجله تخصصی جدید در بازار تحریریه جهت دفاع از حملات پُرتعداد علیه این موضوع ایجاد گردید. اولین شماره مجله "حسابداری، سازمانی و اجتماعی[2] "، با سردبیری آنتونی و هاپ‌وود، در سال ۱۹۷۶ منتشر شد. اوتلی ۱۹۷۸ بر اساس مقاله هاپ‌وود به بررسی ارزیابی عملکرد مدیریت با توجه

[1] Behavioral Accounting
[2] Accounting, Organizations and Society

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

به سبک بودجه و رسیدن به نتایج متناقض آن پرداخت. بیشترین شهرت پژوهش‌های حسابداری رفتاری به سال ۱۹۸۱ که توسط انجمن حسابداری آمریکا انجام شد بازمی‌گردد. چند سال بعد، در سال ۱۹۸۹، انجمن حسابداری آمریکا تصمیم به انتشار یک مجله جدید تحت عنوان "تحقیقات رفتاری در حسابداری[1] " با سردبیری کِن ایوُسک[2] گرفت. به‌منظور ردیابی رشد الگوی رفتاری در حسابداری، دیک‌من ۱۹۹۸ مقالات منتشرشده در حیطه رویکرد رفتاری را موردبررسی قرار داد و در آن به قابلیت اندازه‌گیری متغیرها، اثبات داده‌ها که سهم قابل‌توجهی از پارادایم رفتاری برای درک پدیده‌های حسابداری و روند رو به رشد آن بودند، پرداخت. در سال ۱۹۹۸ جلد اول از سری جدیدی از مقالات تحت سردبیری جیمز هانتون[3] منتشر شد. در مجله "پیشرفت در تحقیقات رفتاری حسابداری[4] " مقالاتی در تمام زمینه‌های حسابداری و موضوعات متأثر از روان‌شناسی کاربردی، جامعه‌شناسی، علوم مدیریت و اقتصاد منتشر می‌شود (دالاویا، ۲۰۱۲).

با توجه به مطالب یادشده نتایج پژوهش‌های دیک‌من (۱۹۹۸) و دانک (۲۰۰۱) تأییدی بر این بود که تحقیقات رفتاری در حسابداری مدیریت، توسعه و پیشرفت‌های بزرگی داشته است (دانک، ۲۰۰۱). همچنین یک دیدگاه انتقادی، با مقاله منتشرشده به‌وسیله زیمرمن پدید آمد (زیمرمن، ۲۰۰۱). وی در مورد تولید دانش توسط تحقیقات حسابداری مدیریت تجربی، در مقایسه با سایر پژوهش‌های حسابداری، واکنش‌های را از خود نشان داد. مخصوصاً وی حدس‌های خود را بر توصیف عمل به‌جای آزمون تئوری‌ها با تأکید بر تصمیم‌گیری به‌جای کنترل و استفاده از چارچوب‌های علوم اجتماعی به‌غیراز اقتصاد متمرکز نموده بود. لوکا و موریتسِن (۲۰۰۲)، هاپ‌وود (۲۰۰۲)، ایتنیر و لارکیر (۲۰۰۲) و لافت و شیلدز (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که یک استراتژی پژوهش ناهمگن[33] ترکیبی مبتنی بر اقتصاد و روش‌های رفتاری است. همچنین پیشرفت قابل‌توجه حسابداری مدیریت نیز تکیه‌بر یک مدل کاملاً

[1] Behavioral Research in Accounting
[2] Euske Ken
[3] James Hunton
[4] Advances in Accounting Behavioral Research

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

اقتصادی دارد. بر اساس لافت و شیلدز (۲۰۰۲) تنوع رشته‌های علوم اجتماعی زیاد است (مثل اقتصاد، روانشناسی، علوم اجتماعی و ...) و پژوهش در زمینه حسابداری مدیریت و آزمون فرضیه‌های آن و ارائه فرصت برای توضیح ویژگی‌های آنان مانند تعامل با افراد و ارائه کامل یافته‌های پژوهش نیز بااهمیت باشد (لافت و شیلدز، ۲۰۰۲).

۳-۲- روان‌شناسی شناختی

ابتدا توضیح مختصری درباره سیر تطور مکاتب روان‌شناسی ضروری به نظر می‌رسد. روان‌شناسی شناختی گرایشی از علم روان‌شناسی است که با نحوه کسب اطلاعات از دنیای پیرامون، شیوه بازنمایی آن اطلاعات و تبدیل آن به دانش و تجربه، روش انباشت آن و شیوه به‌کارگیری آن به‌منظور جهت‌دهی با توجه به رفتار انسان سروکار دارد. علم روان‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی و به تعبیری علم مطالعه رفتار و فرآیندهای روانی است. این علم همچون سایر علوم در دورانی که تفکر اثبات‌گرایی در فلسفه به اوج رسیده بود، راه خود را به‌عنوان علم، بازشناخت و از نظریه‌های سرد فلسفی به‌سوی آزمون‌های تجربی تغییر جهت داد (سعیدی و فراهانیان، ۱۳۹۰). بستر تاریخی نهضت شناختی در روانشناس به ۱۹۱۳ بازمی‌گردد که برخی از روان‌شناسان از این نهضت (شناختی) به‌عنوان انقلاب در علم روان‌شناسی نام می‌برند. واتسون بنیان‌گذار مکتب رفتارگرایی در سال ۱۹۱۳ در منشور این مکتب نوشته بود: «روان‌شناسی باید هرگونه اشاره به هشیاری را کنار بگذارد». به‌این‌ترتیب، فرآیندهای هشیار و اصطلاحات ذهن‌گرایانه از روان‌شناسی حذف گردیده بود. کلماتی مانند اراده احساس درونی، تصویر ذهنی، ذهن هشیار در روان‌شناس تحریم شده بودند. تا اینکه روان‌شناسان آمریکایی ازجمله: لیبرمن و ناتسولاس در دهه ۱۹۷۰ تابلوهای مکاتب گذشته را شکستند و به‌طور رسمی خواستار مطالعه هشیاری و ذهن در روان‌شناسی گردیدند. روانکاوی و رفتارگرایی به‌عنوان مکاتب پرطرفدار، هر یک‌چند خرده مکتب دیگر به وجود آورده‌اند؛ اما در میانه قرن بیستم یعنی دهه ۱۹۵۰ هم‌زمان با تحول در نگاه به مدرنیسم، روان‌شناسی نیز با ایجاد نهضت انسان‌گرایی به واکنش در مقابل رفتارگرایی و روانکائی اقدام کرد (سعیدی و فراهانیان، ۱۳۹۰).

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

۳-۳- علوم اجتماعی اساسی یا اصولی

رشته‌های مختلفی از قبیل اقتصاد، علوم سیاسی، تئوری سازمان، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به انجام پژوهش در ادبیات حسابداری رفتاری کمک کرده‌اند و هنوز هم در حال کمک می‌باشند (بیرنبرگ و شیلدز، ۱۹۸۹). مفاهیم میان‌رشته‌ای (مانند تئوری رفتاری سازمانی) که به تساوی در اقتصاد، علوم سیاسی و تئوری سازمان از آغاز جریان پژوهش در حسابداری مدیریت وارد شده و کار می‌کنند. به‌طور گسترده در میان رشته‌های متنوع، نقش اصلی توسط روان‌شناسی ایفاء می‌شود و این به رسمیت نیز شناخته شده است. یکی از مشکلاتی که محققان در تلفیق روان‌شناسی با اقتصاد و حسابداری با آن مواجه می‌شوند «باراضافی» انتخاب می‌باشد. به‌بیانی تعداد زیادی تئوری‌های رفتاری وجود دارد؛ و همچنین تئوری‌های روانشناسی متعدد و متنوعی وجود دارد که لزوماً استوار و پایدار نخواهند بود (رهنمای‌رودپشتی، ۱۳۹۳). سه زیر شاخه این رشته، در پژوهش‌های حسابداری مدیریت رفتاری در درجه اول اهمیت هستند که عبارتند از: روان‌شناسی شناختی، انگیزه‌ای و اجتماعی. روان‌شناسی شناختی، بر تفکر انسان متمرکز است و تحت تأثیر فرآیندهای روان‌شناسی قرار دارد. روان‌شناسی انگیزه‌ای، بر رفتار و فرآیندهای روان‌شناسی مرتبط و متمرکز شده است و روان‌شناسی اجتماعی، تحت نفوذ بر ذهن افراد و رفتار اعمال شده توسط سایرین (مردم)، متمرکز می‌باشد (بیرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶).

تئوری‌های روان‌شناسی انگیزه‌ای و روان‌شناسی اجتماعی، چارچوب نظری اساسی در پژوهش‌های حسابداری رفتاری می‌باشند. سابقاً نظر اعمال شده توسط استدری (۱۹۶۰) مربوط به بودجه، مشکل هدف و عملکرد فردی بوده است؛ در حالی‌که نظر اتخاذ شده توسط هاپ‌وود (۱۹۷۲) مطالعه تأثیر اعمال ارزیابی از زیردستان و پیامدهای مرتبط با آن می‌باشد. نقش بازی شده توسط پردازش فردی از اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری برپایه تئوری روان‌شناسی شناختی متمرکز بوده که در سال‌های بعد از آن با اصطلاح "انقلاب‌شناختی[1] " نام برده می‌شود. سه رشته روان‌شناختی ارائه شده در فوق شامل چند

[1] Cognitive Revolution

تئوری مشخص‌تر می‌باشند که به توسعه تحقیقات حسابداری مدیریت کمک کرده‌اند (دالاویا، ۲۰۱۲). براساس بررسی‌های جامع و ارائه شده توسط بیرنبرگ و همکاران (۲۰۰۶) تئوری‌ها شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) تئوری‌های روان‌شناسی انگیزه‌ای

سطح تئوری آرمانی[1]، رویکردی است که در ارتباط با عملکرد یک گروه یا یک فرد می‌باشد؛ که فرض می‌شود پیامدهای عاطفی و انگیزشی سطحی از یک وظیفه یا کاری که به آن تفویض شده است نه اینکه باید با موفقیت انجام شود، بلکه هدف آن تکمیل بیش از حد آن وظیفه نیز می‌باشد.

تئوری تعیین هدف[2]، واژه فارسی «هدف» در متون مدیریت در مقابل واژه‌های متعددی مانند,Target Objective, Goal, Purpose وAim به‌کار گرفته که گاه با پسوندهایی مانند «کلی»، «جزئی» و «بخشی» نیز تفکیک‌شده است. اگرچه منشأ تاریخی اهداف به‌عنوان مهم‌ترین جنبه‌های انگیزش، به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد؛ اما ادوین لاک و دستیارش گری‌لاتم در زمینهٔ توسعه تئوری تعیین هدف شناخته‌تر هستند. موضوع اساسی تئوری هدف‌گذاری این است که تمایل رسیدن به هدف، نیروی محرک اولیه‌ای برای رفتار است. اهداف هم فعالیت‌های فیزیکی و هم فعالیت‌های فکری افراد را هدایت می‌کنند (حسینی و بازرگان، ۱۳۸۸).

تئوری ناهمسانی شناختی[3]، این تئوری هنگامی مطرح شد که بین نگرش و رفتار یک فرد نوعی بی‌ثباتی مشاهده گردید. مقصود از تئوری ناهمسانی شناختی این هست که افراد می‌کوشند این ناهمسانی را به حداقل برسانند که به‌طور کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. سازگاری بین رفتار و نگرش بستگی به اهمیت عوامل ناهمسانی دارد که این عوامل می‌تواند دستور مقام بالاتر، میزان پاداش و ... باشد.

[1] Level of Aspiration Theory
[2] Goal-Setting Theory
[3] Cognitive Dissonance Theory

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

تئوری عدالت سازمانی[1]، واژه عدالت سازمانی اولین‌بار توسط گرینبرگ در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. به نظر گرینبرگ، عدالت سازمانی با ادراک کارکنان از انصاف‌کاری در سازمان ذیربط مرتبط است. به بیانی دیگر این نظریه احساس افراد را درباره منصفانه بودن نحوه رفتار با خودشان و دیگران طبقه‌بندی و تشریح می‌کند. احساسی که برای اثربخشی عملکرد سازمان‌ها و رضایت افراد در سازمان‌ها ضرورت دارد. «کروپانزانو» نیز عدالت سازمانی را به مثابه یک جستار روان‌شناختی درنظر می‌گیرد که روی ادارک از انصاف، در محیط کاری تأکید دارد (دهقانیان و همکاران، ۱۳۹۲). عدالت در سازمان بیانگر ادراک کارکنان از برخوردهای منصفانه در کار است که خود به شناسایی سه جزء متفاوت از عدالت در سازمان یعنی عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت مراوده‌ای منجر گردید (رضائیان، ۱۳۸۴).

تئوری انتظارات[2]، این تئوری برای اولین بار توسط کانمن و تیورسکی در سال ۱۹۷۹ ارایه شد. آنان به‌دنبال ارائه نظریه‌ای بودند که توصیف‌کننده رفتار تصمیم‌گیران به‌هنگام مواجهه با گزینه‌های عدم‌اطمینان باشد. آن‌ها دریافتند که تصمیم‌گیران ترجیح می‌دهند که گزینه‌های انتخابی خود را ساده‌تر نمایند و انتخاب‌های آن‌ها به‌جای حداکثر مطلوبیت، رضایت بخش‌تر باشند. کانمن و تیورسکی بیان داشتند که تئوری مطلوبیت مورد انتظار قادر به بیان بعضی از شواهد تجربی نیست؛ لذا یک تابع S شکلی را ارایه کردند که براساس نظر آن‌ها، افراد همه سودها و زیان‌های بالقوه خود و با توجه به بعضی از معیارها، وزن می‌دهند که این معیارها را نقطه مرجع نامیدند (رهنمای‌رودپشتی، ۱۳۹۰).

تئوری نسبیت[3]، نظریه نسبیت خود به دو نظریه دیگر به نام‌های نسبیت خاص و عام که توسط آلبرت انیشتین مطرح شده است تقسیم می‌شود. ایده اصلی در پشت این نظریه آن است که زمان و فضا با هم مرتبط هستند و نه جدای از هم و ثابت. آغاز به کار بردن واژه «نظریه نسبیت» به ۱۹۰۶ بر می‌گردد؛ هنگامی که ماکس پلانک ترکیب «نظریه نسبی» را به

[1] Organizational Justice Theory
[2] Expectancy Theory
[3] Attribution Theory

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

کار برد و بر چگونگی به کار برده شدن اصل نسبیت توسط این نظریه تأکید کرد؛ اما این آلفرد بوخرر بود که در بخش بحث مقاله پلانک، برای نخستین بار ترکیب «نظریه نسبیت» را به کار برد.

تئوری تناسب فرد- محیط[1]، مفهوم تناسب فرد- محیط عبارت است از سازگاری میان فرد و محیط کاری، که در صورتی ایجاد خواهد شد که ویژگی‌های آن‌ها به خوبی بر هم منطبق شوند.

ب) تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی

تئوری نقش[2]، رابرت ویلبورن کلاوس ضمن تشریح ماهیت تئوری نقش در سازمان‌های آن‌را چنین تبیین کرده است. طبق این تئوری، هنجارهایی که توسط موقعیت اجتماعی تعیین می‌شود رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انتظارات درونی و بیرونی متأثر از نقش اجتماعی می‌باشند. تئوری نقش به تبیین کار تیمی و بررسی عملکرد یادگیری گروهی می‌پردازد. از این تئوری در سه زمینه یعنی برای حل تعارض نقش، برای تحلیل رفتار در سیستم‌های اجتماعی و برای بررسی مبانی روابط بین فردی به کار گرفته شده است (ویکی‌پدیا).

تئوری مقایسه اجتماعی[3]، نظریه‌ای است درباره مقایسه‌های افراد با دیگران و اثرات آن مقایسه‌ها بر شناخت‌ها، نیت و رفتارها (ویکی‌پدیا).

تئوری هویت اجتماعی[4]، یک نظریه عضویت در گروه، فرآیندها و روابط بین گروهی است که معتقد است افراد تمایل دارند به سرعت خود را به‌عنوان عضوی از یک گروه دانسته که این امر خود موجب طرفداری کردن از گروه خود در مقابل سایر گروه‌ها می‌شود (ویکی‌پدیا).

ج) تئوری‌های روان‌شناسی شناختی

الف) تئوری تصمیم‌گیری رفتاری، تئوری تصمیم‌گیری یک سطح خرد است که محدوده‌ای اخص از کل سیستم سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی در عین حال با

[1] Person-Environment Fit Theory
[2] Role Theory
[3] Social Comparison Theory
[4] Social Identity Theory

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

سطح تحلیل کلان پیوند خورده است. زیرا بر این فرض مبتنی است که واحد تصمیم‌گیرنده، در یک محیط کل، شامل سیستم سیاسی داخلی و نظام بین‌الملل، با آگاهی از جایگاه خود در سیستم کل و تصور خاصی از موقعیت تصمیم‌گیری، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که خود به تئوری‌های دیگر تقسیم می‌شود که بدین شرح است:

قضاوت احتمالاتی[1]، این تئوری از مباحث آماری نشأت گرفته است و در تصمیم‌گیری‌ها برای سرمایه‌گذاری و یا واکنش دیگر بازیگران عرصه اقتصاد کار برد دارد.

اکتشافی و تعصبات[2]، این تئوری به این بحث اشاره داردکه مردم برای تصمیم‌گیری‌هایشان به قضاوت روی می‌آورند و ممکن است به یک رویداد یا رخداد متعصب شوند و بر آن پایبند گردند و یا به‌دنبال کشف واقعیتی در مورد آن باشند.

تئوری انتظارات و قالب‌بندی[3]، اثر قالب‌بندی نمونه‌ای از تعصب شناختی است که در آن مردم نسبت به یک انتخاب خاص واکنش نشان می‌دهند و باتوجه به انتظارات آن‌ها در روش‌های مختلف بسته به اینکه آیا سود یا زیان می‌کنند بر انتخاب خود تعصب خواهند داشت.

جستجوی اکتشافی[4]، جستجوی اکتشافی یا هیوریستیک، به دسته‌ای از راه‌حل‌ها گویند که به دنبال جوابی معقول و قابل قبول برای یک مسئله دشوار می‌گردند که الزاماً بهترین جواب برای آن مسئله نیست و هیچ تضمینی هم برای ارائه جواب از خود ندارند. خاصیت جستجوی اکتشافی خوب این است که ابزار ساده‌ای برای تشخیص خط‌مشی‌های بهتر را ارائه کند. بیشتر مسائل پیچیده نیازمند ارزیابی تعداد انبوهی از حالت‌های مختلف برای تعیین یک جواب دقیق می‌باشند.

کارکردگرایی احتمالاتی[5]، کارکردگرایی احتمالاتی توسط برنزویک مطرح شد او اولین سیستم رفتاری بر احتمال‌گرایی را بیان داشت که به جذب و افزایش توجه به زمینه‌های

[1] Probabilistic Judgment
[2] Heuristic and Biases
[3] Prospect Theory and Framing
[4] Search Heuristics
[5] Probabilistic Functionalism

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

یادگیری، تفکر، پردازش‌های تصمیم‌گیری و ادراک اصرار می‌ورزید. تأکید برنزویک بر «بوم‌شناسی روانی» بود.

ب) قضاوت و عملکرد تصمیم‌گیری، خود از دو بخش دیگر تشکیل شده است.

مدل‌های ذهنی[1]، مدل ذهنی یک نوع از نمادهای داخلی و یا نماینده‌ای از واقعیت خارجی را نشان می‌دهد. فرض بر این است که این مدل نقش عمده‌ای در شناخت، استدلال و تصمیم‌گیری را بازی می‌کند. به‌بیانی این مدل به توضیح روند تفکر شخصی در مورد چگونگی اتفاق چیزی در دنیای واقعی می‌پردازد.

اثرات نتیجه[2]، اشاره به پدیده‌ای دارد که موجب تصمیم و نتایج آن بر ارزیابی عملکرد تصمیم‌گیرندگان تأثیرگذار است. اگر چه در این بین برخی اثر خطای قضاوت را نیز در نظر می‌گیرند. اما می‌دانیم که قضاوت می‌تواند نتایج ناکارآمد داشته باشد و آن زمانی است که تصمیم‌گیرنده نداند برای ارزیابی انتخاب خود چگونه عمل کند.

براین اساس، میلر (۲۰۰۷) معتقد بود مفاهیم جامعه‌شناسی در پژوهش‌های حسابداری از دهه ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار می‌گرفت و همچنین در حال توسعه نیز می‌بود (میلر، ۲۰۰۷). بلاخص جریان اصلی پژوهش ارائه شده بر محیط‌های نهادی حسابداری تمرکز داشت. تئوری نهادی[3]، به توصیف رفتار جمعی به‌عنوان تجمعی از اقدامات فردی، تلقی می‌شود (دی‌مجیو و پوول، ۱۹۹۱).

همچنین تئوری‌های دیگری در پژوهش‌های حسابداری به‌کار گرفته شده است که آن‌ها از مطالعات جامعه‌شناسی منتج شده‌اند که از قبیل تئوری ساختاربندی گیدنز[4]، تئوری فوکوهی[5] و تئوری لاتورین[6]است. در ادامه به اختصار به هریک از این تئوری‌ها پرداخته می‌شود:

---

[1] Mental Models
[2] Outcome Effects
[3] Institutional Theory
[4] Structuration Theory of Giddens
[5] Foucauldian Approach
[6] Latourian Approach

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

تئوری ساختاربندی گیدنز به زندگی اجتماعی اشاره داشته و بیان دارد که بیشتر اعمال فردی، تصادفی می‌باشند و صرفاً با نیروهای اجتماعی تعیین نمی‌شوند. گیدنز نشان می‌دهد، عامل انسانی و ساختار اجتماعی با یکدیگر در ارتباط هستند. به این معنی که در یک ساختار اجتماعی سنت‌ها، نهادها، آیین اخلاقی و ... وجود دارد.

تئوری فوکوهی به‌وسیله فوکو مطرح شد و به خاطر نظریات عمیق و دیدگاه انقلابی درباره جامعه، سیاست و تاریخ از سرشناس‌ترین متفکران قرن بیستم محسوب می‌شود. همچنین فوکو جزء رهبران نظری پساساختارگرایی می‌باشد. پساساختارگرایی به مجموعه‌ای از افکار روشنفکرانه فیلسوفان اروپای غربی و جامعه‌شناسانی گفته می‌شود که با گرایش فرانسوی، مطلب نوشته‌اند. تعریف دقیق این حرکت و تلخیص آن کار دشواری است ولی به شکل عمومی می‌توان گفت که افکار این دانشمندان، توسعه و پاسخ به ساختارگرایی بوده است و به همین دلیل پیشوند «پسا» را به آن اضافه کرده‌اند. پساساختارگرایی و پسامدرنیسم بعضاً به‌جای یکدیگر نیز به‌کار می‌روند.

تئوری لاتورین به سیاست آگاهی یا دانش اتلاق می‌شود و در آن دوگانگی عقل (منطق) و زور، فراتر از موفقیت مورد نظر است.

۳-٤- روش‌های پژوهش در حسابداری رفتاری

امروزه، وجود اصطلاح "رفتاری" معمولاً برای بررسی‌های آزمایشگاهی (تجربی) استفاده می‌شود. اگرچه این روش پژوهش غالب است، اما تنها روش برای تحقیقات در ادبیات حسابداری رفتاری نمی‌باشد. همچنین شواهدی از روش‌های دیگر تجربی مانند پرسشنامه، تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای وجود دارد. بزرگترین مزیت استفاده از یک روش آزمایشگاهی (تجربی) امکان تشخیص روابط خاص علت و معلولی از سایر عوامل و نیز بهبود کنترل توسط پژوهشگر در طول تمام مراحل پژوهش است. پژوهشگر شاید برای انطباق بیشتر طرح کار با نتایج حاصله شرکت‌کنندگان را به‌صورت تصادفی انتخاب می‌کند و باتوجه به نیازهای تئوریک در شرایط آزمایشگاهی ممکن است در نمونه‌ها دستکاری هم

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

صورت پذیرد. آزمایش‌های انجام شده در حسابداری و به‌طور کلی، در حیطه گسترده‌ی اقتصاد، در بسیاری از مسائل روش‌شناختی با رشته‌های روان‌شناسی مشترک هستند؛ اما تفاوت‌های مهمی از نظر بافت مشوق‌ها و فریبکاری[1] با هم دارند (کراسون، ۲۰۰۵).

برخلاف آزمایش‌های روان‌شناسی، در اقتصاد این زمینه کم اهمیت‌تر است و اغلب به‌منظور جلوگیری از تعصبات خاص و انحرافات احتمالی و افزایش تعمیم بهتر نتایج، لازم است بی‌طرفی در پژوهش نیز وجود داشته باشد. علاوه بر این، نیاز به واقع‌گرایی و تأثیر پاداش در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی تصمیم‌گیری دیده می‌شود که نشان‌دهنده استفاده از انگیزه‌های پولی است و اغلب در روان‌شناسی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نهایتاً، آزمون‌های روان‌شناسی برای فریفتن شرکت‌کنندگان استفاده می‌گردد، اما این رفتار به شدت در آزمایش‌های (تجربی) اقتصادی مورد انتقاد است و نیز به‌عنوان یک تهدید جدی در برابر اعتبار آزمایش‌های دیده می‌شود. حتی اگر آزمایش در محیط آزمایشگاهی رایج‌ترین نوع آزمایش باشد، باز آزمایش بازار و آزمایش‌های میدانی کمتر در ادبیات حسابداری رفتاری وجود دارد. اولین‌ها سعی داشتند یک بازار ساختگی یا مصنوعی[2] را با خریداران و فروشندگان از نو خلق کنند که ممکن بود شامل دوره‌های متعددی گردد (دالاویا، ۲۰۱۲). اشپرینکل (۲۰۰۰) معتقد بود که روش بازار به‌منظور مطالعه اثر یادگیری و عملکرد بر پاداش مبتنی بر انگیزه[3] به‌جای قرارداد ثابت برای حقوق[4]، مؤثر است. همچنین انتقاداتی نیز در مورد هزینه‌های لازم و بالا برای اجرای این آزمایش و عدم‌واقع‌گرایی آن نیز مطرح است (اشپرینکل، ۲۰۰۰).

دیگر روش تجربی منتشرشده در بررسی رفتار حسابداری مدیریت، پرسشنامه است؛ که براساس روان‌شناسی و سایر علوم اجتماعی بیشتر مورد استفاده قرار دارد و ممکن است برای آماده‌سازی سؤالات خاص به‌منظور شناسایی و اندازه‌گیری مفاهیم مانند انگیزه، رضایت،

[1] Deception
[2] Artificial Market
[3] Incentive-Based Compensation
[4] Flat-Wage Contract

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

نگرش، تلاش و اعتماد که مربوط به رفتار فردی است، مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال شیلدز و شیلدز (۱۹۹۸) ۴۷ مقالات منتشر شده در موضوع بودجه‌بندی مشارکتی[1] را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و نتیجتاً شیوع مطالعاتی بر روی روش تجربی آزمایشگاهی را دریافتند (شیلدز و شیلدز، ۱۹۹۸). هاجمن (۲۰۰۸) بررسی‌ها واقع‌گرایی بیشتر را نشان می‌دهد. ازاین‌رو، وی بیان می‌دارد که مخارج پژوهش‌های پرسشنامه‌ای نسبت به آزمایش‌های تجربی ارزان‌تر انجام خواهد شد. لذا این امکان وجود دارد مقدار بیشتری از اطلاعات به دست آورده شود (هاجمن، ۲۰۰۸).

گاهی اوقات نیز ممکن است از داده‌های بایگانی شده برای بررسی مسائل رفتاری استفاده شود. برای مثال ایتنیر و لارکیر (۱۹۹۸) رابطه رضایت و رفتار مشتری را با عملکرد مالی بررسی کردند. پس از آن ایتنیر و همکاران (۲۰۰۳) اسنادی را از بررسی بانکی در مورد اثر درونی اندازه‌گیری عملکرد با توجه به کارت ارزیابی متوازن جمع‌آوری کردند (اینتیر و همکاران، ۲۰۰۳)؛ مورس (۲۰۰۵) ارزیابی عملکرد را با استفاده از داده‌های بایگانی شده یک شرکت خصوصی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (مورس، ۲۰۰۵). به‌طور معمول اگر داده‌ها در دسترس باشند، آن‌ها برای نمونه‌های بزرگتر پوششی[2]، مناسب‌تر و عینی‌تر خواهند بود (مرچنت و اوتلی، ۲۰۰۷).

همچنین ساختارهای رفتاری می‌توانند با استفاده از رویکرد مطالعاتی میدانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. این رویکرد توسط اندرسون و همکاران در سال ۲۰۰۲ مورد استفاده قرار گرفت. آن‌ها عوامل مؤثر بر عملکرد را براساس بهایابی بر مبنای فعالیت مورد بررسی قرار دادند. این روش پژوهش نیز تا حدی از محدودیت‌های مشابه داده‌های کتابخانه‌ای رنج می‌برد و اثر این مطالعه ممکن است در ترکیب با سایر عوامل آشکار گردد. به هر حال، مطالعات آزمایشگاهی (تجربی) و پرسشنامه‌ها به‌عنوان روش پژوهش غالب در پژوهش‌های حسابداری مدیریت رفتاری باقی می‌مانند، درحالی‌که از امکانات دیگر بیشتر به‌عنوان یک استثناء استفاده می‌شود. برای جلوتر رفتن در عمق پردازش‌ها برای تصمیم‌گیری و درک

[1] Participative Budgeting
[2] Cover Larger Samples

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

اینکه چرا و چگونه مغز فعال است، دانشمندان علوم اعصاب یا عصب‌شناسان[1] در حال ساخت یک پل ارتباطی با اقتصاد می‌باشند که به اصطلاح "اقتصاد عصبی[2]" نامیده می‌شود (دالاویا، ۲۰۱۲). اقتصاد عصبی نام یک شاخه جدید از دانش است که نقطه تلاقی روان‌شناسی، اقتصاد و عصب‌شناسی است و هدف از آن بررسی تصمیمات انسان از دید این علوم می‌باشد. مهم‌ترین ره‌آورد این شاخه‌ی علم اقتصاد را می‌توان در بررسی صحت و سقم فروضی دانست که به‌عنوان مبنا، در علم اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو این برنامه‌ی پژوهشی نه در پی رد نظریات پیشین اقتصادی نیست، بلکه به دنبال تکمیل آن‌ها قدم بر می‌دارد. پل زاک از بنیان‌گذاران این رشته است. توانایی‌های بالقوه (پتانسیل‌ها) برای رشته حسابداری توسط بیرنبرگ پیشنهاد شده است (بیرنبرگ، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲)؛ حتی اگر مشکلات هزینه، انتشار دانش و در دسترس نبودن تجهیزات موانع مهم در انتشار باشند اما باز نمونه در این روش پژوهش در انتظارات به آینده است.

۳-۵- مباحث اصلی در حسابداری مدیریت رفتاری

در طول سال‌های متمادی مباحث مختلفی با مفاهیم اولیه حسابداری مدیریت ترکیب‌شده و نیز از تئوری‌های سایر علوم اجتماعی برای تجزیه‌وتحلیل در این حیطه استفاده‌شده است. بی‌تردید، سه موضوع اصلی که نشان‌دهنده ارکان مطالعات در زمان معاصر است، در معرض توجه قرار دارند. اولین آن بودجه با عوامل و ویژگی‌های مرتبط با آن است؛ دومین مدیریت عملکرد و پاداش‌ها؛ سومین، اطلاعات و تصمیم‌گیری خواهد بود.

الف) فرآیند بودجه‌بندی

قدیمی‌ترین مسئله در حوزه حسابداری مدیریت با رویکرد رفتاری مورد مطالعه، فرآیند بودجه‌بندی است که شامل مشارکت بودجه، اثرات انگیزه، سبک رهبری و ضعیف‌کردن یا شُل‌کردن بودجه[3] می‌باشد. ضعیف‌کردن بودجه به معنی فراهم کردن یک زیرسازی در

[1] Neuroscientists
[2] Neuroeconomics
[3] Budgetary Slack

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

بودجه به‌منظور اجتناب از واریانس نامطلوب در پایان سال بودجه‌شده می‌باشد. ضعیف کردن بودجه نیز به‌عنوان ذخیره کنترلی و یا زیرسازی یک کنترل‌کننده شناخته شده است. لازم به ذکر است فرآیند بودجه‌بندی خود به سه بخش (یا حیطه) دیگر تقسیم می‌شود:

اولین حیطه در مورد مشارکت بودجه و اثرات آن بر رفتار انسان است. براساس برانل (۱۹۸۲) تأکید بودجه بر عملکرد بستگی به این دارد که مشارکت بودجه در حد بالا و یا پایین بر رفتار انسان تأثیرگذار است اما در یک مطالعه مشابه به‌وسیله دانک (۱۹۸۹) نتایج بسیار متناقضی حاصل شد. یک توضیح احتمالی این است که در مطالعه برانل و هرست (۱۹۸۶) و برانل و دانک (۱۹۹۱) عدم‌قطعیت وجود داشته است. براساس برانل و مک‌اینز (۱۹۸۶) مشارکت بودجه‌ای، عملکرد را افزایش داده و پیامد آن اثر مثبتی بر انگیزه افراد خواهد داشت. در میان تئوری‌های مورد استفاده برای مطالعه انگیزه در سازمان، تئوری تعیین هدف که به سطح آرمانی مرتبط است، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (دالاویا، ۲۰۱۲). همچنین استفاده از بودجه و تنش مربوط به شغل موضوع دیگری بود که به‌وسیله کینز (۱۹۷۹) و برانل و هرست (۱۹۸۶) مورد مطالعه قرار گرفت. موضوع مشارکت در فرآیند بودجه و ارتباط با عملکرد، از نقطه‌نظر تئوری عدالت سازمانی و تئوری انتظارات مورد توجه قرار دارد (دالاویا، ۲۰۱۲). از نقطه‌نظر دیگر و با فرض پذیرش تئوری تناسب فرد-محیط می‌توان دریافت استرس بر بودجه‌بندی مشارکتی و عملکرد تأثیرگذار است. فروکوت و شارون (۱۹۹۱) و هاریسون (۱۹۹۲) دریافتند که بودجه‌بندی مشارکتی از طریق فرهنگ ملی نیز بر رفتار افراد مؤثر خواهد بود (دالاویا، ۲۰۱۲).

دومین حیطه مورد توجه فرآیند بودجه‌بندی، سبک رهبری است. دی‌کوستر و فرتاکیس در (۱۹۶۸) اثر فشار بودجه ناشی از سرپرستان، را با استفاده از تئوری نقش مورد بررسی قرار دادند. همچنین مطالعه‌ای در این حیطه توسط هاپ‌وود (۱۹۷۲) انجام شده که بر استفاده از بودجه و عملکرد اطلاعات از طریق مدیران برتر، متمرکز بود (دالاویا، ۲۰۱۲).

سومین حیطه که می‌تواند در مسئله بودجه‌بندی مشارکتی در نظر گرفته شود، ایجاد بودجه‌ی ضعیف (شُل) است. بررسی گرایش به ایجاد بودجه‌ای ضعیف بسته به سیستم

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

بودجه‌بندی و زمینه‌های فنی یا تکنیکی دارد که این مسئله توسط مارچنت (۱۹۸۵) دنبال شد، در حالی‌که مطالعه تعیین عواملی که بر بودجه‌ی مشارکتی و ضعیف که می‌توانند با هم در پیوند باشند توسط دانک (۱۹۹۳) بررسی شده است (دالاویا، ۲۰۱۲).

ب) مدیریت عملکرد و تخصیص پاداش‌ها

دومین موضوع، مدیریت عملکرد و تخصیص پاداش‌ها می‌باشد. هایز (۱۹۷۷) عوامل اقتضایی، داخلی یا خارجی سازمان را با کمک ارزیابی عملکرد از بخش‌های سازمانی، توضیح و بررسی کرد. سایر مطالعات در این حوزه به بررسی تعامل بین عدم اطمینان محیطی و سبک ارزیابی عملکرد پرداخته‌اند. به‌طورکلی در این حوزه از انگیزه‌های پولی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه در افراد و ایجاد تلاش بیشتر استفاده می‌شود. بااین‌حال، یک تمایز ادراکی با مفاهیم، در محیط پیچیده کسب‌وکار وجود دارد. اثرات در عملکرد تصمیم‌گیرنده نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های شناختی در ارزیابی عملکرد و سیستم پاداش مورد اهمیت قرار دارد. اگر قراردادهای مبتنی بر انگیزه، بر اساس پاداش ثابت[۴۷] تنظیم شود، آن‌وقت عملکرد و انگیزه کارگران و بازخورد آموزش‌های آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. تئوری انتظارات تأیید می‌کند، زمانی که کارگران به خواهند بین دو قرارداد با همان میزان پرداخت‌ها مورد انتظار خود یکی را انتخاب کنند، قالب‌بندی‌های پرداخت‌ها باعث ایجاد تفاوت بین آن‌ها خواهد شد. ارزیابی عملکرد فردی کارگران زمانی که آن‌ها در رابطه با دیگران هستند توسط تئوری مقایسه اجتماعی پیش‌بینی می‌شود (دالاویا، ۲۰۱۲).

در یک قضاوت مقایسه‌ای اقدامات معمول از اقدامات منحصربه‌فرد دارای وزن بیشتری است. لیپی و سالتریو (۲۰۰۲) معتقدند در چارچوب کارت ارزیابی متوازن و برای ارزیابی عملکرد تنها اقدامات معمول مؤثر خواهند بود. اثرات سبک ارزیابی، همچنین به‌عنوان "اتکا بر ارزیابی عملکرد حسابداری[1] " (RAPM) شناخته می‌شود؛ که در ارزیابی عملکرد زیردستان به‌عنوان یک موضوع بااهمیت مطرح است (لیپی و سالتریو، ۲۰۰۲). حتی هارتمن (۲۰۰۰) موافق است در ادبیات RAPM تعاملی بین RAPM و بودجه‌ی مشارکتی وجود

[1] Reliance on Accounting Performance

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

نداشته و به‌عنوان یک توده انتقادی و سازمان یافته به خوبی مشخص نشده است. در نهایت، برای ارزیابی نتایج عملکرد فردی، سرپرستان از اقدامات ذهنی استفاده می‌کنند (مورس، ۲۰۰۵).

ج) اطلاعات و تصمیم‌گیری

سومین موضوع مورد توجه، اطلاعات و تصمیم‌گیری است که شامل ثبات داده‌ها[1] و مسائل مربوط به نمایندگی می‌باشد. علاوه بر این، نفوذ در تصمیم‌گیری مدیریت هزینه‌ها و ظهور انواع خاصی از هزینه‌ها از جمله هزینه‌های چسبنده[2]، هزینه‌های ریخته‌شده و هزینه‌های فرصت از دست رفته مطرح است که این قبیل هزینه‌ها می‌توانند فرصت‌های را برای به‌کارگیری مفاهیم رفتاری را از خود نشان دهند. موضوع ثبات داده‌ها، متفاوت از مفهوم روان‌شناختی تثبیت عملکردی بوده و همچنین تحت شرایطی که تصمیم‌گیرنده قادر به تجزیه و تحلیل و تعدیل فرآیند تصمیم به تغییرات در رویه‌های حسابداری نیست کاربرد دارد (بلکویی، ۲۰۰۲). اولین شناخت تثبیت عملکردی در رشته حسابداری توسط ایجیری و همکارانش در (۱۹۶۶) صورت گرفت. به دنبال نشانه‌های مطالعه آن‌ها، اشتون (۱۹۷۶) آزمونی برای تعیین چگونگی فرآیندهای تصمیم‌گیری فردی در مورد یک تغییر حسابداری از یک بدیل به بدیل دیگر انجام دارد مثل بهایابی کامل به بهایابی متغیر. سویریگا و همکاران (۱۹۷۹) بیان کردند که اهمیت تعدیلات، به روش اندازه‌گیری بستگی دارد و نیز می‌توانند متفاوت باشند. همچنین شواهد بیشتر از ثبات داده‌ها توسط چانگ و بیرنبرگ (۱۹۷۷)، با آزمایش آن‌ها که شامل گزارش واریانس هزینه و هزینه استاندارد بود، ارائه شد. بلوم و همکاران (۱۹۸۴) تصمیم‌گیری‌های فردی و گروهی را در پاسخ به تغییر در روش استهلاک با هم مقایسه کردند (دالاویا، ۲۰۱۲). علاوه بر این، لافت و شیلدز (۲۰۰۲) مطالعه‌ی از استفاده‌های متفاوت از اطلاعات توسط افراد را، زمانی‌که مخارج نامشهود می‌بایست در دفاتر سرمایه‌گذاری ثبت شود به‌جای اینکه هزینه تلقی گردد، ارائه کردند (لافت و شیلدز، ۲۰۰۲).

---

[1] Data Fixation
[2] Sticky Costs

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

فرآیند تصمیم‌گیری تحت تأثیر دانش حسابداری فرد تصمیم‌گیرنده است. ویرا مونز (۱۹۹۸) معتقدند، رابطه بین دانش حسابداری و تصمیم‌گیری در تخصیص منابع مانند رقابتی است که باید در آن هزینه‌های فرصت بررسی شوند. نهایتاً قالب ارائه و سطح دانش حسابداری می‌بایست، به‌منظور درک تأثیر در تصمیم‌گیری مبتنی بر هزینه، به‌طور مشترک مورد مطالعه قرار گیرند (کاردینالز، ۲۰۰۸).

٤- یافته‌های پژوهش

امروزه دانش و علوم در حوزه‌ها مختلف، با چالش‌های متفاوت مواجه هستند و علت آن را می‌توان گسترش مرزهای دانش و پیشرفت تکنولوژی‌ها دانست. همچنین، با تخصصی‌تر شدن علوم بشری، فاصله بین مرزهای علوم مختلف هم به‌نوعی کمتر شده که این رخدادها با به وجود آمدن موضوعات بین‌رشته‌ای و زمینه‌های کاری مشترک (در رشته‌ها) پررنگ‌تر هم گردید که رشته حسابداری از این امر مستثنا نبوده است. همچنین، نیاز به اطلاعات معمولاً نیروی محرکه حسابداری مدیریت محسوب می‌شود و توجه به آثار رفتاری اطلاعات حسابداری و تأثیر آن بر حسابداران و غیر حسابداران موضوع بحث علوم رفتاری باهدف درک، توضیح و پیش‌بینی رفتار انسان می‌باشد. ازآنجاکه مقصد حسابداری (با تمامی زیر شاخه‌هایش) تأمین اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان است، آثار رفتاری اطلاعات حسابداری و واکنش تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از این اطلاعات اخیراً موردتوجه محققین قرارگرفته است (رهنمای‌رودپشتی، ۱۳۹۰)؛ لذا هدف پژوهش حاضر نیز بررسی تاریخی تأثیر این تحولات بین حسابداری و رشته‌های مختلف همچون روانشناسی در حوزه حسابداری مدیریت می‌باشد تا از این طریق اطلاعات جامعی را درباره حسابداری مدیریت رفتاری در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در ادامه یافته‌های اساسی پژوهش بیان خواهد شد. یافته‌های این بررسی تاریخی، حاکی از این است که رشته‌های مختلفی از جمله اقتصاد، علوم سیاسی، تئوری سازمان، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به انجام پژوهش در ادبیات حسابداری رفتاری (به‌ویژه حوزه حسابداری مدیریت) به‌عنوان یک میان‌رشته کمک کرده‌اند و هنوز هم این یاری ادامه دارد (بیرنبرگ و شیلدز، ۱۹۸۹). به‌طور گسترده در میان این رشته‌های

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

متنوع، نقش اصلی توسط روان‌شناسی ایفاء می‌شود و این نقش نیز به رسمیت شناخته‌شده است (بیرنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امروزه، وجود اصطلاح «رفتاری» معمولاً برای بررسی‌های آزمایشگاهی (تجربی) استفاده می‌شود؛ هرچند که شواهدی از وجود روش‌های دیگر همانند پرسشنامه، تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای نیز وجود دارد. بزرگ‌ترین مزیت استفاده از روش آزمایشگاهی (تجربی) امکان تشخیص روابط خاص علت و معلولی از سایر عوامل و نیز بهبود کنترل توسط پژوهشگر در طول تمام مراحل پژوهش است (کراسون، ۲۰۰۵). به‌هرحال مطالعات آزمایشگاهی (تجربی) و پرسشنامه‌ها به‌عنوان روش پژوهش غالب در پژوهش‌های حسابداری مدیریت رفتاری شناخته می‌شود، این درحالی است که از امکانات دیگر، بیشتر به‌عنوان یک استثناء استفاده می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اقتصاد عصبی نام یک شاخه جدید از دانش است که نقطه تلاقی روان‌شناسی، اقتصاد و عصب‌شناسی است و مهم‌ترین ره‌آورد این شاخه‌ی اقتصادی را می‌توان بررسی صحت‌وسقم فروضی دانست که به‌عنوان مبنا، در علم اقتصاد مورداستفاده قرار می‌گیرند (بیرنبرگ، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲)؛ به بیانی در مباحث «رفتاری» به چگونگی فعالیت و تعامل مردم، در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تفسیر این عملیات بر اساس مفاهیم و نظریه‌های روان‌شناسی ایجادشده پرداخته می‌شود. درحالی‌که در مباحث «عصبی» به بررسی چرایی و چگونگی این رفتارها بر اساس مشاهدات انجام‌شده در مغز انسان و فعالیت‌های هورمونی پرداخته خواهد شد (خواجوی و فتاحی نافچی، ۱۳۹۲).

نهایتاً می‌توان بیان داشت که نتایج اکثر پژوهش‌های اخیر، از رشد و پویایی تحقیقات مبتنی بر روان‌شناسی در حوزه حسابداری مدیریت یاد می‌کنند؛ و انگیزه انجام پژوهش حاضر نیز بیان نوآوری‌های سال‌های اخیر در حوزه نظری و عملی حسابداری مدیریت می‌باشد. در حوزه عملی، رشد نوآوری‌های حسابداری مدیریت نظیر سیستم‌های بهایابی نوین و سیستم‌های راهبردی ارزیابی عملکرد است که تنها از طریق پژوهش‌های مبتنی بر روان‌شناسی می‌توان به‌طور کامل به پاسخ رسید. همچنین، از لحاظ نظری، رشد اقتصادی و

مالیه رفتاری از طریق ترکیب توان تحلیلی مدل‌های اقتصادی و نیز شناخت، انگیزه و تعامل اجتماعی انسان‌ها در روان‌شناسی، زمینه‌ساز پیشرفت‌های اخیر در حوزه‌های مختلف‌شده است.

۵- نتیجه‌گیری و بحث

استفاده از دیدگاه رفتاری در مطالعات حسابداری مدیریت همانند نوری است که به مسائلی می‌تابد که توسط دیدگاه سنتی نادیده گرفته می‌شود (دالاویا، ۲۰۱۲) و نیز امروزه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا، هدف از این مطالعه بررسی و مرور کلی بر تحولات تحقیقات رفتاری در حوزه حسابداری مدیریت، از سه زاویه (الف) تئوری‌های روانشناسی مرتبط با این حوزه؛ (ب) روش‌های پژوهش در این حیطه و (ج) مباحث اصلی یا اساسی در حسابداری مدیریت، می‌باشد.

براساس مطالب یاد شده می‌توان بیان داشت که نتایج این پژوهش آگاهی سودمندی را درباره تئوری‌های روانشناسی که در حوزه حسابداری مدیریت کاربرد دارند، به پژوهشگران و صاحبنظران انتقال و ایده‌های جدیدی را به آن‌ها خواهد داد و نیز جایگاه خالی آن را در فهرست موضوعات و مباحث مهم جهت پژوهش بیان خواهد داشت. قابل ذکر است نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که حسابداری مدیریت با نظریه‌های روانشناسی شناختی، انگیزشی و اجتماعی آمیخته شده است. در این دیدگاه موضوعات مختلف با استفاده از چشم‌اندازها یا دیدگاه‌ها رفتاری متفاوت، موردمطالعه قرار می‌گیرد. مطالعات نظری و تجربی در حوزه حسابداری مدیریت رفتاری، به‌منظور تعمق در این حوزه از دانش است و نیز در جهت بررسی تکنیک‌ها و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد تا امکان بهبود چشم‌اندازها یا دیدگاه‌ها رفتاری را فراهم آورد. این دیدگاه همچنین موجب، درک بهتر از اثرات انتخاب روش‌ها در طول مراحل ارزیابی و طراحی قراردادهای انگیزشی می‌شود؛ و نیز به کنترل بهتر مدیریت، در زمان عملکردش و کاهش پیامدهای غیرمنتظره و ناخواسته آن، کمک خواهد کرد. مثلاً قضاوت‌های ذهنی در ارزیابی عملکرد در بازه زمانی بلندمدت از یک طرف موجب تأثیر مثبت بر تلاش زیردستان می‌گردد و از سوی دیگر باعث ایجاد تعصبات در ارزیابی آن‌ها

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

می‌شود. همچنین، پژوهش لیپی و سالتیریو (۲۰۰۰) محدودیت‌های شناختی از عملکرد مدیران را موجب کاهش قدرت اطلاعاتی می‌دانند، لذا برای حل این مشکل از تکنیک کارت ارزیابی متوازن استفاده می‌شود (لیپی و سالتریو، ۲۰۰۲).

درنهایت، نتایج مطالعه حاضر بیان می‌کند که هنوز امکان پیشرفت‌های جدید و نوآورانه در جهت توسعه ابزارها و روش‌های پژوهش در حوزه حسابداری مدیریت بالأخص رفتاری وجود دارد که به‌کارگیری این ابزارهای نوین توسط فعالان در این حوزه ضروری دیده می‌شود. حتی اگرموضوعاتی که با تکنیک‌های خاص همانند نمایش اطلاعات، گزارشگری، تصمیم‌گیری و تفسیر داده‌ها مرتبط نباشند، اما می‌توانند در حوزه عملی کاربردهای مثمرثمری را داشته باشند؛ و نیز آگاهی را نسبت به تعصبات فردی جهت انتخاب و استفاده از سیستم‌های بهایابی مناسب، به‌منظور اجتناب از تأثیرات روان‌شناختی، پیش‌بینی و اصلاح کنند. این امر می‌تواند در طول این قبیل فرآیندها مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرند. درنتیجه، نقش سنتی حسابدار مدیریت از مرزهای این رشته فراتر رفته و به‌تدریج به درک بهتر از این حوزه از دانش، کمک نماید. همچنین، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود برای ارتقاء دانش کاربردی سایر روش‌های موجود مربوط به موضوع پژوهش حاضر را موردبررسی قرار دهند.

فهرست منابع

حسینی، سیدرسول و بازرگان، عباس. (۱۳۸۸)، فرآیند هدف‌گذاری در علوم میان‌رشته‌ای و نقش هدف‌ها در ارزیابی کیفیت نظام دانشگاهی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم‌انسانی، دوره اول، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۲۳.

خواجوی، شکراله و فتاحی نافچی، حسن. (۱۳۹۲)، مالی عصبی، افق پیش روی مالی رفتاری، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۱-۳۴.

دهقانیان، حامد؛ صبور، الهام و حجتی، علی‌رضا. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین مؤلفه‌های عدالت سازمانی و تعهد سازمانی در یک شرکت بیمه، پژوهشنامه بیمه، سال ۲۸، ش ۲، صص ۱۵۳-۱۸۰.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

رضائیان، علی. (۱۳۸۴)، مبانی رفتار سازمانی، انتشارات سمت، چاپ ششم.

رهنمای‌رودپشتی، فریدون، (۱۳۹۰)، "حسابداری مدیریت رفتاری"، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

رهنمای‌رودپشتی، فریدون.(۱۳۹۳)، "کاربرد مدل‌های روان‌شناسی در حسابداری مدیریت"، انتشارات ترمه، چاپ اول.

رهنمای‌رودپشتی، فریدون و رستمی مازویی، نعمت.(۱۳۹۴)، مروری بر تئوری‌های روانشناسی در تحقیقات حسابداری مدیریت، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هشتم، شماره بیست و ششم، صص ۱-۲۰.

سعیدی، علی و فراهانیان، محمدجواد.(۱۳۹۰)، مبانی اقتصاد و مالی رفتاری، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز و چشم فسا، ایمان.(۱۳۹۲)، بررسی ریشه‌های حسابداری دوطرفه در خاورمیانه و تأثیر آن بر ظهور و گسترش حسابداری دوطرفه در اروپا، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۸، زمستان، صص ۳۷-۵۴.

Birnberg, J. G., Shields, J. F., (1989). Three decades of behavioral accounting research: A search for order, Behavioral Research in Accounting, 1, pp:23-74.

Birnberg, J.C., (2011). A proposed framework for behavioral accounting research, Behavioral Research in Accounting, 23(1), pp:1-43.

Birnberg, J.C., (2012). Is neuroaccounting waiting in the wings? An essay, Accounting, Organizations and Society, 37(1), pp:1-13.

Birnberg, J.G. Luft, J. Shields, M.D. (2006). Psychology theory in management accounting research. In: Chapman, C. S. Hopwood, A. G., Shields, M. D., (Eds.), Handbook of Management Accounting Research", Vol. 1, Elsevier, Amsterdam, the Netherlands.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]

Cardinaels, E., (2008). The interplay between cost accounting knowledge and presentation formats in cost-based decision making, Accounting, Organizations and Society, 33, pp:582-602.

Croson, R., (2005). The method of experimental economics, International Negotiation, 10, pp:131-148.

Dalla Via, N., (2012), Behavioral management accounting and control: The origins of a stream of research, thesis Ph.D. in Business granted by the University of Venice.

DiMaggio, W. Powell, P. (1991). Introduction. In: DiMaggio, W. Powell, P. (Eds.), the new institutionalism in organizational analysis, The University of Chicago Press, Chicago.

Dunk, A. S., (2001).Behavioral research in management accounting: The past, present, and future, Advances in Accounting Behavioral Research, 4, pp:25-45.

Hageman, A.M., (2008). A review of the strengths and weaknesses of archival, behavioral, and qualitative research methods: recognizing the potential benefits of triangulation, Advances in Accounting Behavioral Research, vol(11), pp:1-30.

Hopwood, A. (2002). If only there were simple solutions, but there aren't: some reflections on Zimmerman' s critique of empirical management accounting research, The European Accounting Review, vol.11(4), p:777-785.

Hopwood, A. (2009). Reflections and projections – and many, many thanks, Accounting, Organizations and Society, 34, pp:887-894.

Ittner, C. Larcker, D. (2002). "Empirical management accounting research: are we just describing management consulting practice". The European Accounting Review, 11(4), pp:787-794.

Lipe, M. Salterio, S. (2000). The balanced scorecard: judgment effects of common and unique performance measures,The Accounting Review, 75, 283-298.

Luft, J. Shields, M. (2002).Zimmerman' s contentious conjectures: describing the present and prescribing the future of empirical management accounting research,The European Accounting Review, 11(4), pp:795-803.

Lukka, K. Mouritsen, J. (2002).Homogeneity and heterogeneity of research in management accounting, The European Accounting Review, 11(4),pp: 805-811.

Merchant, K.A. Otley, D.T. (2007). A review of the literature on control and accountability, in Chapman, C.S. Hopwood, A.G. Shields, M.D. (Eds.) Handbook of management accounting research,vol 2, Elsevier, Oxford, UK; P:29.

Miller, P. (2007). Management accounting and sociology. In: Chapman, C. S. Hopwood, A. G. Shields, M. D. (Eds.), Handbook of Management Accounting Research, Vol. 1, Elsevier, Amsterdam, the Netherlands.

Moers, F. (2005).Discretion and bias in performance evaluation: the impact of diversity and subjectivity, Accounting, Organizations and Society, 30, pp:67-80.

Otley, David, (2016).The contingency theory of management accounting and control: 1980–2014, Management Accounting Research.

Riahi-Belkaoui, A. (2002).Behavioral management accounting,Quorum Books, Westport, CT.

Shields, J.F. Shields, M.D. (1998). Antecedents of participative budgeting, Accounting, Organizations, and Society, 23(1), pp:49-76.

Sprinkle, G.B. (2000). The effect of incentive contracts on learning and performance, The Accounting Review, 67,pp: 783-801.

Zimmerman, J. L. (2001).Conjectures regarding empirical managerial accounting research,Journal of Accounting and Economics, 32, pp:411-427

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2025-12-18]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1395.1.1.2.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.aapc.1.1.25]